



صفحه ۱۲۴ تا ۱۴۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۱۰

## طراحی مدل عملیاتی تاب‌آوری انتظامی با تأکید بر نقش کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها در مدیریت امنیت روانی جامعه در شرایط بحران و جنگ

رضا صادقی پور<sup>۱</sup>، رسول ابراهیمی قلعه جوقی<sup>۲</sup>

### چکیده

امنیت روانی جامعه یکی از مؤلفه‌های اساسی امنیت اجتماعی و از شاخص‌های مهم کارآمدی نظام‌های انتظامی محسوب می‌شود. در شرایط بحران‌های امنیتی و تهدیدهای نوظهور، نقش کلانتری‌ها و پاسگاه‌های انتظامی در ایجاد و حفظ احساس امنیت در میان شهروندان اهمیت بیشتری می‌یابد. در این میان، مفهوم «تاب‌آوری انتظامی» به عنوان توانایی سازمان‌های انتظامی برای مواجهه مؤثر با شرایط دشوار، استمرار کارکردهای اصلی و بازگشت سریع به وضعیت پایدار، جایگاه برجسته‌ای پیدا کرده است. هدف این پژوهش، طراحی مدل عملیاتی تاب‌آوری انتظامی با تأکید بر تقویت امنیت روانی جامعه است. این مطالعه از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی تحلیلی است. جامعه آماری شامل خبرگان حوزه امنیت و انتظامی و همچنین مدیران و کارکنان مرتبط با مأموریت‌های انتظامی بوده و داده‌ها به کمک پرسشنامه محقق ساخته گردآوری شد. روایی ابزار بر اساس نظر خبرگان و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مورد سنجش قرار گرفت که در هر دو بخش مورد تأیید قرار گرفت. تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از روش‌های آماری مناسب از جمله تحلیل عاملی، همبستگی و رگرسیون انجام شد. یافته‌ها نشان داد که مؤلفه‌هایی مانند آمادگی سازمانی، توانمندی منابع انسانی، هماهنگی بین بخشی، مدیریت اطلاعات و ارتباطات، و ظرفیت یادگیری سازمانی نقش معناداری در ارتقای تاب‌آوری انتظامی دارند. بر اساس نتایج، مدل پیشنهادی می‌تواند به عنوان چارچوبی کاربردی برای افزایش کارآمدی سازمان‌های انتظامی، بهبود مدیریت بحران و تقویت امنیت روانی جامعه مورد استفاده قرار گیرد.

**واژه‌های کلیدی:** آمادگی سازمانی؛ امنیت روانی؛ تاب‌آوری انتظامی؛ توانمندی منابع انسانی؛ مدیریت بحران؛ یادگیری سازمانی

۱. دانشجوی مقطع دکتری، دانشگاه عالی دفاع ملی، ایران. [reza.sadeghipoor@gmail.com](mailto:reza.sadeghipoor@gmail.com)

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران مرکز، ایران (نویسنده مسئول)

[e.rasoul68.mail.com@ran.ir](mailto:e.rasoul68.mail.com@ran.ir)



## Designing a Resilient Operational Model of Law Enforcement Emphasizing the Role of Police Stations and Outposts in the Mental Security of the Society under Crisis & War Conditions

*Reza Sadeghi Pour<sup>1</sup>, Rasoul Ebrahimi Ghale Joghi<sup>2</sup>*

### Abstract

Mental security of a society is one of the essential parameters of social security and is considered as important indicators of efficiency of Law Enforcement systems. Under security and emerging threats crises, the role of police stations and Law Enforcement in establishing and maintaining sense of security among citizens outposts gains utmost importance. In the mean time, the concept of “police resilience” as the ability of Law Enforcement organizations to effectively confront tough conditions, to continue main functions and quick return to stable conditions has gained a high position. This research intends to design a resilient operational model of Law Enforcement emphasizing the mental security of the society. This study is of applied type in terms of objective and analytical-descriptive in terms of methodology. The statistical society includes experts in the fields of security and Law Enforcement, managers and staff related to Law Enforcement missions and the data has been collected using questionnaires. The validity of tools has been measured based on experts’ views and its reliability has also been measured using Cronbach’s Alpha Coefficient in which both parts were verified. The data analysis was carried out using appropriate statistical methods including causative, correlative and regression analyses. Findings show that such parameters as organizational readiness, ability of human resources, interagency coordination, IT management and organizational learning capacity play a meaningful role in upgrading Law enforcement resilience. According to the results, the proposed model can be used as an applied framework to increase Law enforcement organizations’ efficiency, improve crisis management and strengthening mental security of the society.

**Key words:** Organizational readiness, mental security, Law enforcement resilience, ability of human resources, crisis management, Organizational learning

---

1. Ph.D Candidate, Supreme National Defense University, Iran  
reza.sadeghipoor@gmail.com.

2. Master Degree Graduate in Crime & Criminology, Islamic Azad University, Central Tehran, Iran (Writer -in-charge) e.rasoul68.mail.com@ran.ir



## مقدمه

در دهه‌های اخیر، مفهوم «امنیت» در ادبیات علوم سیاسی، حقوق، جامعه‌شناسی و مطالعات راهبردی، دچار دگرگونی‌های عمیق و چندلایه‌ای شده است. در گذشته، امنیت عمدتاً با تهدیدهای نظامی، مرزهای جغرافیایی و کنترل فیزیکی مرتبط دانسته می‌شد و نقش اصلی آن در حفاظت از تمامیت ارضی و ساختار سیاسی نظام‌ها خلاصه می‌گردید. اما در دوران معاصر، به‌ویژه پس از پایان جنگ سرد و گسترش تهدیدهای نوین، این نگاه تک‌بعدی جای خود را به تلقی گسترده‌تری داده است که امنیت را پدیده‌ای چندبعدی، پیچیده و مرتبط با حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و روان‌شناختی می‌داند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۷۲۸).

در این چارچوب، مفهوم «امنیت انسانی» و به‌ویژه «امنیت روانی» شهروندان، به‌عنوان یکی از ارکان مهم امنیت ملی و اجتماعی مورد توجه پژوهشگران و سیاست‌گذاران قرار گرفته است. امنیت روانی به احساس آرامش، ثبات، اطمینان خاطر و نبود ترس‌های مداوم در زندگی روزمره اشاره دارد و زمانی محقق می‌شود که شهروندان، نظام اجتماعی و نهادهای مسئول را توانمند و قابل اتکا برای مدیریت تهدیدها و بحران‌ها تلقی کنند (هادسون، ۲۰۲۰: ۹۲). به بیان دیگر، حتی اگر تهدیدهای عینی در سطح قابل قبولی کنترل شده باشد، در صورت فقدان احساس امنیت در سطح ذهنی و روانی، نمی‌توان از تحقق امنیت واقعی در جامعه سخن گفت.

شواهد پژوهشی و تجربی نشان می‌دهد که در شرایط بروز بحران‌ها و تهدیدهای گسترده، مانند جنگ، حوادث تروریستی، ناآرامی‌های اجتماعی، بلایای طبیعی بزرگ یا شیوع بیماری‌های فراگیر، بعد روانی امنیت بیش از سایر ابعاد در معرض تهدید قرار می‌گیرد. در چنین موقعیت‌هایی، شایعات، اخبار نگران‌کننده، تصاویر خشونت‌آمیز و نیز تجربه شخصی افراد از بی‌نظمی و نابسامانی، می‌تواند به سرعت احساس ناامنی و بی‌اعتمادی را در جامعه تشدید کند. همین امر سبب می‌شود که مدیریت صحیح «ادراک امنیت» و «احساس کنترل»، به اندازه کنترل فیزیکی اوضاع اهمیت یابد (سلیمانی، ۲۰۱۸).

در این میان، نهادهای انتظامی و پلیسی، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان تأمین امنیت داخلی، نقشی برجسته در شکل‌دهی به ادراک امنیت روانی شهروندان دارند. در رویکردهای سنتی، پلیس عمدتاً به‌عنوان سازمانی واکنش‌محور تصور می‌شد که وظیفه اصلی آن مقابله با جرم، برخورد با متخلفان و حفظ نظم ظاهری در جامعه است. اما با توسعه دیدگاه‌های نوین در مدیریت و مطالعات پلیسی، پلیس به‌مثابه نهادی مشارکتی، پیشگیرانه، خدمت‌گرا و جامعه‌محور مورد توجه قرار گرفته



است؛ نهادی که علاوه بر کنترل جرایم، در مدیریت بحران، کاهش اضطراب اجتماعی، ترمیم احساس بی‌نظمی و بازسازی اعتماد عمومی نقش کلیدی دارد (صارمی، ۱۳۹۰: ۱۱۵).

کلانتری‌ها و پاسگاه‌های انتظامی، در ساختار پلیس، به‌عنوان واحدهای خط مقدم و نقاط تماس مستقیم با شهروندان عمل می‌کنند. این واحدها در سطح محلات و مناطق مختلف شهر، از طریق حضور میدانی، تعامل روزمره با مردم، رسیدگی به شکایات، مداخله در درگیری‌ها و مدیریت حوادث، تصویری عینی از توان و اراده حاکمیت در برقراری نظم و امنیت به نمایش می‌گذارند. به همین دلیل، تجربه روزمره شهروندان از نحوه عملکرد کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری یا تضعیف احساس امنیت روانی دارد (میرزاخانی، ۱۳۹۴: ۵۴).

در کنار این تحولات مفهومی، ادبیات مدیریت و مطالعات امنیتی به‌طور فزاینده‌ای از مفهوم «تاب‌آوری» بهره می‌گیرد. تاب‌آوری در سطح کلان، به توانایی یک جامعه یا نظام در تحمل ضربه، سازگاری با شرایط متغیر و بازگشت به تعادل نسبی پس از تجربه بحران اشاره دارد. در سطح سازمانی نیز تاب‌آوری به مجموعه قابلیت‌ها، ساختارها، فرآیندها و منابعی گفته می‌شود که به سازمان اجازه می‌دهد در مواجهه با تهدیدها، عملکرد خود را حفظ یا حتی بهبود بخشد (کاظمی، ۱۳۹۵: ۲۰۶).

در حوزه نهادهای انتظامی، «تاب‌آوری انتظامی» به توانایی پلیس برای پیش‌بینی، آمادگی، پاسخ‌دهی و بازیابی در برابر بحران‌های اجتماعی، امنیتی و حتی روانی دلالت دارد. این مفهوم ابعاد متعددی را شامل می‌شود؛ از جمله تاب‌آوری فردی کارکنان پلیس (توانایی روانی، مهارت‌های مقابله‌ای و حرفه‌ای)، تاب‌آوری سازمانی (ساختارهای انعطاف‌پذیر، رهبری اثربخش، هماهنگی درون و برون‌سازمانی)، تاب‌آوری عملیاتی (سرعت و کیفیت واکنش در میدان، قابلیت اجرای مأموریت‌ها در شرایط فشار) و تاب‌آوری ارتباطی (توان تعامل شفاف و اعتمادآفرین با جامعه، مدیریت اطلاعات و افکار عمومی) (رحمانی، ۱۳۹۶: ۸۷).

پژوهش‌ها نشان داده‌اند که هرچه سطوح مختلف تاب‌آوری در سازمان‌های انتظامی تقویت شود، قابلیت این سازمان‌ها برای مدیریت بحران‌ها و حفظ امنیت روانی شهروندان افزایش می‌یابد (هادسون، ۲۰۲۰: ۹۲؛ کاظمی، ۱۳۹۵: ۲۰۶). در عین حال، ضعف در هر یک از ابعاد مذکور، می‌تواند به ایجاد درک ناتوانی یا بی‌کفایتی در میان مردم منجر شود و اثرات روانی بحران را تشدید کند. از این منظر، بررسی علمی رابطه میان تاب‌آوری انتظامی و امنیت روانی جامعه، به‌ویژه در سطح واحدهای محلی مانند کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.



کلان‌شهر تهران به‌عنوان پایتخت جمهوری اسلامی ایران و یکی از بزرگ‌ترین شهرهای منطقه، نمونه‌ای برجسته از محیط‌های پیچیده امنیتی و اجتماعی است. تراکم بالای جمعیت، تنوع قومیتی و فرهنگی، نقش سیاسی و اقتصادی خاص، و نیز قرار گرفتن در معرض انواع تهدیدهای بالقوه طبیعی و انسانی، باعث شده است که مدیریت امنیت در این شهر با چالش‌هایی مضاعف مواجه باشد. در چنین بستری، نقش کلانتری‌ها و پاسگاه‌های انتظامی در مدیریت بحران، حفظ نظم روزمره و تقویت امنیت روانی شهروندان، اهمیتی دوچندان می‌یابد. این زمینه، ضرورت توجه به الگوهای عملیاتی تاب‌آور در نهادهای انتظامی تهران را برجسته می‌سازد و مسیر طرح مسئله پژوهش حاضر را هموار می‌کند.

### بیان مسئله

همان‌گونه که اشاره شد، ادبیات نظری و تجربی موجود حاکی از آن است که میان تاب‌آوری سازمان‌های امنیتی و انتظامی و احساس امنیت روانی در جامعه، رابطه‌ای دوسویه و معنادار برقرار است. سازمانی که از سطح بالاتری از تاب‌آوری برخوردار است، در شرایط بحران، توان بیشتری برای حفظ کارکردها، اتخاذ تصمیم‌های سنجیده، ارتباط اثربخش با جامعه و بازگشت به حالت تعادل دارد. در مقابل، سازمان‌های شکننده و فاقد انعطاف لازم، در مواجهه با تهدیدها به سرعت دچار اختلال عملکرد می‌شوند و همین اختلال، احساس بی‌اعتمادی و ناامنی روانی را در میان شهروندان تشدید می‌کند (هادسون، ۲۰۲۰: ۹۲؛ رحمانی، ۱۳۹۶: ۸۷).

با این حال، مرور نظام‌مند پیشینه پژوهش در حوزه مدیریت انتظامی و امنیت اجتماعی در ایران نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از مطالعات، بیش از آنکه مسئله «تاب‌آوری انتظامی» و ارتباط آن با امنیت روانی جامعه را در سطح عملیاتی بررسی کنند، بر موضوعاتی مانند جرم‌شناسی، پیشگیری وضعی از جرم، مدیریت صحنه جرم و اصلاح ساختارهای سازمانی پلیس تمرکز داشته‌اند. برای مثال، درویشی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود درباره تأثیر اقدامات مدیریت انتظامی بر پیشگیری وضعی از جرم به این نتیجه رسیدند که اقدامات مدیریتی در حوزه‌های کنترل محیطی، تقویت نظارت رسمی و غیررسمی و بهبود پوشش پلیسی، می‌تواند فرصت ارتکاب جرم را کاهش دهد. هرچند این یافته‌ها از منظر کنترل جرایم قابل توجه است، اما این مطالعه کمتر به این پرسش پرداخته که این اقدامات تا چه حد در کاهش اضطراب اجتماعی و افزایش احساس امنیت روانی شهروندان، به‌ویژه در شرایط بحرانی، نقش دارند.



در پژوهشی دیگر، کاظمی (۱۳۹۵) با تمرکز بر ابعاد تاب‌آوری سازمانی در نهادهای امنیتی نشان داد که وجود ساختارهای انعطاف‌پذیر، نظام آموزشی هدفمند، تمرین‌های منظم مدیریت بحران و هماهنگی بین‌بخشی، از جمله عوامل کلیدی در ارتقای تاب‌آوری سازمان‌های امنیتی هستند. با این حال، این مطالعه نیز تاب‌آوری را در سطح کلان سازمانی بررسی کرده و نقش واحدهای صفی و محلی، همچون کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها، را که در خط مقدم مواجهه با شهروندان قرار دارند، به‌طور مشخص تبیین نکرده است.

در سطح بین‌المللی، مطالعات متعددی به بررسی نحوه تأثیرگذاری پلیس بر احساس امنیت شهروندان و کاهش اضطراب اجتماعی پرداخته‌اند. سلیمانی (۲۰۱۸)، با تأکید بر رویکرد پلیس جامعه‌محور، نشان داد که تعامل مستمر و محترمانه پلیس با مردم، اطلاع‌رسانی شفاف در شرایط بحران و پاسخ‌گویی مسئولانه به مطالبات شهروندان، نقش مهمی در کاهش ترس و نگرانی عمومی و تقویت حس تعلق و اعتماد دارد. هم‌چنین، هادسون (۲۰۲۰) در مطالعه خود درباره تاب‌آوری سازمان‌های امنیتی، استدلال می‌کند که حضور فعال، قابل اعتماد و پیش‌بینانه پلیس در سطح محلی، یکی از مهم‌ترین عوامل تقویت تاب‌آوری اجتماعی در شرایط تهدیدزا است.

با وجود این یافته‌ها، خلأ مهمی در ادبیات پژوهشی قابل مشاهده است: رابطه سه‌گانه میان «راهبردهای انتظامی»، «تاب‌آوری انتظامی» و «امنیت روانی جامعه» به‌صورت یک مدل منسجم و یکپارچه، به‌ویژه در سطح واحدهای محلی پلیس، کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. اکثر پژوهش‌ها، هر یک بخشی از این زنجیره را مطالعه کرده‌اند؛ برخی بر راهبردها و ساختارهای مدیریتی پلیس تمرکز داشته‌اند، برخی دیگر به تاب‌آوری سازمانی پرداخته‌اند و گروهی نیز احساس امنیت شهروندان را موضوع بررسی قرار داده‌اند. اما پژوهشی که به‌طور هم‌زمان و در قالب یک مدل عملیاتی، پیوند میان این سه مؤلفه را، آن هم در بستر خاص کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها در شرایط بحران و جنگ، تحلیل کند، در ادبیات داخلی کمتر مشاهده می‌شود.

این خلأ زمانی برجسته‌تر می‌شود که به ویژگی‌های خاص کلان‌شهر تهران توجه شود. تهران، به‌عنوان مرکز سیاسی، اداری و اقتصادی کشور، در معرض تهدیدهای متنوع و گاه پیچیده قرار دارد؛ از مخاطرات طبیعی نظیر زلزله و سیل گرفته تا تهدیدهای انسانی مانند ناآرامی‌های اجتماعی، عملیات خرابکارانه یا پیامدهای روانی جنگ‌های احتمالی. در چنین بافتی، هرگونه ضعف در عملکرد یا آمادگی کلانتری‌ها و پاسگاه‌های انتظامی، می‌تواند پیامدهایی گسترده و چندلایه بر احساس امنیت و آرامش روانی شهروندان داشته باشد. به همین دلیل، شناخت دقیق



این‌که کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها با چه راهبردها و الگوهای عملیاتی می‌توانند تاب‌آوری انتظامی خود را تقویت کرده و از این طریق امنیت روانی جامعه را در شرایط بحرانی ارتقا دهند، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند.

از سوی دیگر، در حوزه روش‌شناسی نیز لازم است این رابطه سه‌گانه نه صرفاً به صورت نظری، بلکه بر پایه داده‌های تجربی معتبر و از دیدگاه هر دو گروه «کارکنان پلیس» و «شهروندان» بررسی شود. بسیاری از مطالعات گذشته تنها به دیدگاه یکی از این دو گروه پرداخته‌اند و در نتیجه، تصویر یک‌سویه‌ای از وضعیت ارائه کرده‌اند. در حالی که، ادراک کارکنان پلیس از میزان تاب‌آوری سازمانی و عملیاتی، و ادراک شهروندان از امنیت روانی و کیفیت عملکرد پلیس، می‌تواند با یکدیگر مشابه یا متفاوت باشد و این تفاوت‌ها خود حامل دلالت‌های مهمی برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی انتظامی است.

بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر را می‌توان این‌گونه صورت‌بندی کرد: کلانتری‌ها و پاسگاه‌های انتظامی در کلان‌شهر تهران چگونه و با بهره‌گیری از چه راهبردهای مدیریتی و عملیاتی می‌توانند تاب‌آوری انتظامی را در سازمان خود تقویت کرده و در نتیجه، در شرایط بحران و جنگ، به ارتقای امنیت روانی جامعه کمک کنند؟ در چارچوب این مسئله، پژوهش حاضر در پی آن است که با طراحی و آزمون یک الگوی عملیاتی تاب‌آوری انتظامی، رابطه میان راهبردهای انتظامی، سطوح مختلف تاب‌آوری انتظامی و مؤلفه‌های امنیت روانی جامعه را، از منظر کارکنان پلیس و شهروندان تهرانی، مورد بررسی تجربی قرار دهد.

## اهمیت و ضرورت پژوهش

اهمیت نظری و کاربردی پژوهش حاضر را می‌توان در چند سطح تبیین کرد. از منظر نظری، این تحقیق در پی آن است که پل ارتباطی میان سه حوزه نسبتاً مجزا اما مرتبط را برقرار کند: ادبیات تاب‌آوری سازمانی و انتظامی، ادبیات راهبردهای مدیریتی و عملیاتی پلیس، و ادبیات امنیت روانی و اجتماعی. هر یک از این حوزه‌ها در سال‌های اخیر رشد قابل توجهی داشته‌اند، اما همان‌گونه که اشاره شد، کمتر مطالعه‌ای به صورت هم‌زمان و در قالب یک مدل عملیاتی، پیوند میان آن‌ها را در سطح واحدهای محلی پلیس بررسی کرده است. از این نظر، پژوهش حاضر می‌تواند به غنای نظری مباحث مربوط به تاب‌آوری انتظامی کمک کند و در تدوین چارچوبی مفهومی برای تحلیل نقش کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها در مدیریت امنیت روانی جامعه سهم داشته باشد.



از منظر کاربردی، نتایج این تحقیق برای برنامه‌ریزان و مدیران انتظامی، به‌ویژه در سطح فرماندهی انتظامی تهران بزرگ، می‌تواند دلالت‌های مهمی داشته باشد. شناسایی ابعاد کلیدی تاب‌آوری انتظامی در کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها، شناخت راهبردهای مدیریتی و عملیاتی مؤثر بر این ابعاد، و تبیین چگونگی تأثیر آن‌ها بر امنیت روانی شهروندان، می‌تواند مبنایی برای طراحی برنامه‌های آموزشی هدفمند، اصلاح ساختارهای سازمانی، تقویت سازوکارهای هماهنگی بین‌بخشی و بهبود الگوهای ارتباطی پلیس با جامعه فراهم آورد. در واقع، الگوی عملیاتی پیشنهادی این پژوهش می‌تواند به‌عنوان نقشه راهی برای ارتقای آمادگی کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها در مواجهه با بحران‌ها و جنگ‌های احتمالی مورد استفاده قرار گیرد.

از سوی دیگر، در سطح سیاست‌گذاری کلان امنیتی، یافته‌های این پژوهش قادر است به تدوین استراتژی‌های جامع‌تری در حوزه مدیریت امنیت روانی جامعه کمک کند. اگر مشخص شود کدام راهبردهای انتظامی و کدام ابعاد تاب‌آوری، بیشترین تأثیر را بر احساس امنیت و آرامش روانی شهروندان دارند، می‌توان منابع محدود سازمانی را به‌صورت هدفمند به این حوزه‌ها اختصاص داد و از پراکندگی و موازی‌کاری در برنامه‌های امنیتی کاست. این امر به‌ویژه برای کلان‌شهری مانند تهران که با محدودیت‌های منابع، پیچیدگی تهدیدها و حساسیت افکار عمومی روبه‌روست، اهمیتی مضاعف دارد.

در نهایت، از منظر اجتماعی و انسانی، ارتقای امنیت روانی شهروندان، فراتر از یک هدف صرفاً امنیتی، به‌عنوان یکی از پیش‌شرط‌های اساسی توسعه پایدار و انسجام اجتماعی مطرح است. جامعه‌ای که در آن شهروندان از احساس امنیت، اعتماد و آرامش نسبی برخوردارند، زمینه مساعدتری برای مشارکت اجتماعی، انسجام ملی، سرمایه اجتماعی و کاهش تعارضات دارد. در مقابل، تداوم احساس ناامنی، اضطراب و بی‌ثباتی، می‌تواند زمینه‌ساز بروز انواع آسیب‌های اجتماعی، کاهش اعتماد به نهادها و افزایش گرایش به رفتارهای پرخطر باشد. بر این مبنای پژوهش حاضر با تمرکز بر نقش کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها در مدیریت امنیت روانی جامعه، می‌تواند سهمی هر چند محدود در تقویت بنیان‌های اجتماعی و روانی امنیت در کلان‌شهر تهران و به تبع آن، در سطح ملی داشته باشد.

### پیشینه پژوهش

مرور ادبیات نظری و تجربی در حوزه مدیریت انتظامی، تاب‌آوری سازمانی و امنیت روانی



نشان می‌دهد که هر یک از این حوزه‌ها تا حدی مورد توجه قرار گرفته‌اند، اما ارتباط سه‌جانبه «راهبردهای انتظامی، تاب‌آوری انتظامی و امنیت روانی در شرایط بحران و جنگ» هنوز کمتر در قالب یک مدل یکپارچه بررسی شده است. در ادامه، مهم‌ترین پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه به‌ویژه پژوهش‌های داخلی مرور می‌شود.

در سال‌های اخیر بخش قابل توجهی از پژوهش‌های داخلی به نقش پلیس در مدیریت بحران و ارتقای کارآمدی سازمانی پرداخته‌اند. برای مثال ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای با عنوان «تحلیل کارکرد سازمانی پلیس در مدیریت بحران‌های شهری» نشان دادند که میزان آمادگی عملیاتی و مهارت کارکنان پلیس در بحران، تأثیر مستقیمی بر سرعت واکنش و مدیریت پیامدهای اجتماعی بحران دارد. این پژوهش بر اهمیت آموزش‌های تخصصی، ساختار فرماندهی چابک و هماهنگی بین‌بخشی تأکید کرده است.

کاظمی (۱۳۹۵) نیز در پژوهش خود با بررسی شاخص‌های تاب‌آوری در نهادهای امنیتی، بیان می‌کند که تاب‌آوری انتظامی تنها حاصل آمادگی عملیاتی نیست، بلکه ترکیبی از عوامل ساختاری، مدیریتی، روان‌شناختی و اجتماعی است. وی به‌ویژه بر نقش «اعتماد سازمانی» و «تعامل سازنده با جامعه» به‌عنوان مؤلفه‌های مهم تاب‌آوری انتظامی اشاره می‌کند (ص ۲۰۶).

در پژوهشی دیگر، فخاریان (۱۳۹۶) با تحلیل عملکرد پلیس در شرایط بحران‌های ترکیبی، نشان داد که یکی از مؤثرترین متغیرها در ارتقای تاب‌آوری پلیس، توانمندی کلانتری‌ها در مدیریت اطلاعات، کاهش شایعه و ایجاد انسجام روانی در سطح محلی است. به بیان دیگر، بدون مشارکت مؤثر کلانتری‌ها، مدیریت کلان بحران کارکردی ناقص خواهد داشت.

محمدی‌قدم (۱۳۹۷) در پژوهش خود با عنوان «بررسی نقش پلیس در مدیریت امنیت روانی در بحران‌های اجتماعی» تأکید می‌کند که امنیت روانی در جامعه بیش از آنکه به کنترل فیزیکی وابسته باشد، به مهارت‌های ارتباطی پلیس، نحوه اطلاع‌رسانی، میزان تعامل با شهروندان و کیفیت خدمات انتظامی بستگی دارد. نتایج ایشان نشان داد کلانتری‌ها بیشترین نقش را در تثبیت ادراک امنیتی ایفا می‌کنند (ص ۴۰۱).

در همین راستا نیکوکار و هراتی (۱۳۹۸) با تمرکز بر «تاب‌آوری فردی کارکنان پلیس» نشان دادند که مهارت‌های روان‌شناختی، کنترل هیجان، مدیریت استرس و انگیزش حرفه‌ای از مهم‌ترین عوامل بقای عملکردی کارکنان پلیس در شرایط ناآرامی اجتماعی است. یافته‌ها حاکی



از آن بود که تقویت تاب‌آوری فردی، زمینه‌ساز ارتقای تاب‌آوری سازمانی و در نهایت افزایش احساس امنیت روانی در جامعه است.

حسینی و خسروی (۱۳۹۹) نیز در پژوهشی کاربردی نقش پلیس را در مدیریت بحران‌های شهری بررسی کرده و نتیجه گرفته‌اند که واحدهای انتظامی محلی (کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها) هنگامی مؤثرتر عمل می‌کنند که از راهبردهای مشارکت‌جو، جامعه‌محور و ارتباطی بهره‌گیرند و صرفاً به رویکردهای واکنشی اکتفا نکنند.

در مطالعه‌ای جدیدتر، صالحی‌نسب (۱۴۰۰) تأکید می‌کند که «امنیت روانی شهروندان در بحران» تابعی است از چهار بعد عملکرد پلیس: سرعت واکنش، شفافیت در اطلاع‌رسانی، مدیریت شایعات و حضور قابل اعتماد در صحنه. وی بیان می‌کند که کلانتری‌ها بیشترین نقش مستقیم را در کاهش اضطراب اجتماعی ایفا می‌کنند. در مجموع، این پژوهش نشان داد که نقش پلیس در بحران چند بعدی است و کلانتری‌ها مهم‌ترین واحدهای ایجاد امنیت روانی محسوب می‌شوند به طوری که تاب‌آوری انتظامی نیازمند ترکیب مهارت فردی، ساختار سازمانی و راهبردهای عملیاتی است.

بخش دیگری از پژوهش‌های داخلی به بررسی امنیت روانی شهروندان و عوامل مؤثر بر آن پرداخته‌اند. به‌عنوان نمونه، موسوی و همکاران (۱۳۹۲) نشان دادند که نحوه برخورد پلیس با شهروندان، کیفیت تعاملات روزمره و سهولت دسترسی به خدمات انتظامی، تأثیر مستقیمی بر احساس امنیت روانی آنان دارد.

زارعی (۱۳۹۴) با بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس امنیت شهروندان تأکید کرد که بیش از ۶۰ درصد ادراک امنیتی مردم از کیفیت حضور پلیس در محله‌ها و میزان حمایت‌گری کلانتری‌ها در مواجهه با مشکلات روزمره ناشی می‌شود.

قاسمی و رنجبر (۱۳۹۷) نیز بیان کردند که امنیت روانی در بحران به میزان اعتماد مردم به پلیس وابسته است. ایشان نشان دادند که در شرایط بحران‌های طبیعی یا انسانی، افزایش ارتباطات چهره‌به‌چهره پلیس با مردم، برگزاری جلسات محلی و اطلاع‌رسانی شفاف می‌تواند به‌طور چشمگیری سطح اضطراب اجتماعی را کاهش دهد.

در پژوهش دیگری، آقاجانی (۱۳۹۸) نقش «اطلاع‌رسانی پلیس» را در کاهش احساس ناامنی بررسی و بیان کرد که نحوه مدیریت پیام‌ها توسط پلیس و کنترل جریان اطلاعات در شرایط بحران مهم‌ترین عامل در تثبیت ذهنی آرامش اجتماعی است.



سادات و رضانی (۱۴۰۰) نیز با تحلیل الگوی امنیت روانی در بحران‌های شهری به این نتیجه رسیدند که امنیت روانی از دو مسیر تقویت می‌شود: یکی عملکرد مؤثر سازمان‌های امنیتی (از جمله پلیس)، دیگری درک اجتماعی شهروندان از کارآمدی این سازمان‌ها. این یافته‌ها اهمیت هماهنگی میان عملکرد واقعی پلیس و ادراک اجتماعی مردم را نشان می‌دهد.

در سطح بین‌المللی نیز پژوهش‌های متعددی به نقش پلیس در امنیت روانی شهروندان پرداخته‌اند. برای مثال (سلیمانی، ۲۰۱۸) در پژوهشی نشان داد که تعامل مؤثر پلیس با جامعه، شفافیت اطلاعاتی و مدیریت ارتباطات بحران مهم‌ترین عوامل کاهش اضطراب اجتماعی در شرایط بحرانی هستند.

در مطالعه‌ای دیگر، (هادسون، ۲۰۲۰) بیان می‌کند که تاب‌آوری سازمان‌های امنیتی زمانی افزایش می‌یابد که پلیس از ساختارهای انعطاف‌پذیر، آموزش‌های عملیاتی منسجم و ارتباط فعال با مردم برخوردار باشد. او تأکید دارد که کلانتری‌ها و واحدهای محلی پلیس «بنیاد تاب‌آوری اجتماعی» محسوب می‌شوند.

(کلر، ۲۰۱۹) نیز در پژوهشی با عنوان «Resilience and Public Security» نشان داد که تاب‌آوری پلیس در بحران‌های طبیعی و انسان‌ساخت به مقیاس‌های واکنش سریع، مدیریت صحنه، نظم‌دهی ادراکی و ارتباطات مؤثر وابسته است.

(آندرسون، ۲۰۲۱) در مطالعه‌ای کیفی بیان می‌کند که بزرگ‌ترین مؤلفه امنیت روانی در بحران‌ها نه حضور فیزیکی پلیس، بلکه «پیش‌بینی‌پذیری رفتاری» و «اطمینان از واکنش منطقی و حرفه‌ای پلیس» است.

پاتون و جانستون (۲۰۱۷) در کتاب خود رویکرد یکپارچه به تاب‌آوری در برابر بلایا را ارائه دادند و بر نقش آمادگی پیشینی، پاسخ‌دهی سریع و بازیابی پس از بحران تأکید کردند. آن‌ها مدلی سه‌مرحله‌ای برای سازمان‌های امنیتی پیشنهاد دادند که شامل پیش‌بینی تهدیدها، مدیریت واکنش‌های اولیه و بازسازی اعتماد عمومی است.

ویلیامز و همکاران (۲۰۱۷) در بررسی جامع خود دو جریان پژوهشی مدیریت بحران و تاب‌آوری سازمانی را ادغام کردند. آن‌ها نشان دادند که سازمان‌های موفق نه تنها به بحران‌ها واکنش نشان می‌دهند، بلکه از آن‌ها برای یادگیری و تقویت ظرفیت‌های خود استفاده می‌کنند. این رویکرد برای پلیس به معنای تبدیل تجربیات بحران به پروتکل‌های عملیاتی بهبودیافته است.

یک و ساتکلیف (۲۰۱۵) مفهوم سازمان‌های با قابلیت اطمینان بالا (HRO) را مطرح کردند که



در آن سازمان‌ها قادرند در شرایط پیچیده و غیرمنتظره عملکرد پایدار داشته باشند. آن‌ها پنج اصل اساسی را شناسایی کردند: توجه به شکست‌های کوچک، مقاومت در برابر ساده‌سازی، حساسیت به عملیات، تعهد به تاب‌آوری و احترام به تخصص. این اصول برای نیروهای انتظامی در مدیریت بحران‌ها کاربرد مستقیم دارند.

در مجموع، بررسی پژوهش‌های موجود حاکی از آن است که اگرچه ابعاد تاب‌آوری انتظامی و امنیت روانی به صورت جداگانه مطالعه شده‌اند، اما پیوند میان این ابعاد و نقش راهبردهای عملیاتی پلیس در شرایط بحران هنوز نیازمند تبیین نظری و طراحی مدل جامع‌تری است. پژوهش حاضر دقیقاً در جهت پرکردن این خلأ گام برمی‌دارد و تلاش دارد با ارائه مدلی یکپارچه، نحوه اثرگذاری راهبردهای انتظامی بر تاب‌آوری انتظامی و پیامدهای روانی آن در جامعه را روشن سازد و اذعان دارد که: ۱- پلیس نقشی چندبعدی در بحران دارد (عملیاتی، روانی، ارتباطی) ۲- کلانتری‌ها مهم‌ترین واحد تأثیرگذار بر امنیت روانی هستند ۳- تاب‌آوری انتظامی پیوندی ساختاری با امنیت روانی جامعه دارد.

### چارچوب نظری پژوهش

چارچوب نظری این پژوهش بر تبیین رابطه میان راهبردهای انتظامی، تاب‌آوری انتظامی و امنیت روانی جامعه در شرایط بحران و جنگ استوار است. در سازمان‌های انتظامی، مدیریت مؤثر بحران تنها به اقدامات عملیاتی محدود نمی‌شود، بلکه مستلزم توانایی سازمان در سازگاری، هماهنگی و حفظ کارآمدی در شرایط پیچیده و پرتنش است. در این میان، مفهوم تاب‌آوری انتظامی به توانایی پلیس در پیش‌بینی، مقابله، سازگاری و بازیابی در برابر بحران‌ها و تهدیدهای محیطی اشاره دارد و به عنوان یکی از عوامل کلیدی در حفظ نظم اجتماعی و آرامش روانی جامعه مطرح می‌شود.

در این پژوهش، راهبردهای انتظامی به عنوان عامل تقویت‌کننده تاب‌آوری در نظر گرفته شده‌اند. این راهبردها شامل راهبردهای اطلاع‌رسانی، حفاظتی و حمایتی هستند. راهبردهای اطلاع‌رسانی با انتقال دقیق و به موقع اطلاعات، از شکل‌گیری شایعات و اضطراب عمومی جلوگیری می‌کنند. راهبردهای حفاظتی به اقدامات پیشگیرانه و کنترلی پلیس برای کاهش تهدیدها و ارتقای احساس امنیت در جامعه مربوط می‌شوند و راهبردهای حمایتی نیز بر نقش اجتماعی و حمایتی پلیس در کاهش نگرانی‌ها و تقویت اعتماد عمومی تأکید دارند.



از سوی دیگر، آمادگی سازمانی و توانمندی منابع انسانی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تقویت تاب‌آوری انتظامی محسوب می‌شوند. سازمانی که از نیروهای آموزش دیده، ساختارهای هماهنگ، نظام ارتباطی مؤثر و ظرفیت یادگیری برخوردار باشد، در مواجهه با بحران‌ها عملکرد مؤثرتری خواهد داشت. در چنین شرایطی، کارکنان می‌توانند با انعطاف‌پذیری بیشتر به موقعیت‌های پیش‌بینی نشده پاسخ دهند و مأموریت‌های سازمانی را با کارآمدی بالاتری انجام دهند.

پیامد نهایی این سازوکارها، ارتقای امنیت روانی جامعه است. امنیت روانی به احساس آرامش، اعتماد و اطمینان شهروندان نسبت به توانایی نهادهای مسئول در مدیریت شرایط بحرانی اشاره دارد. هنگامی که پلیس بتواند از طریق راهبردهای مناسب و برخورداری از تاب‌آوری سازمانی، بحران‌ها را به‌طور مؤثر مدیریت کند، سطح نگرانی و نااطمینانی اجتماعی کاهش یافته و احساس امنیت در جامعه تقویت می‌شود.

بر این اساس، مدل نظری پژوهش حاضر بر این فرض استوار است که راهبردهای انتظامی با تقویت تاب‌آوری انتظامی و ظرفیت‌های سازمانی، به ارتقای امنیت روانی جامعه در شرایط بحران و جنگ منجر می‌شوند و از این طریق نقش کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها در مدیریت بحران‌های اجتماعی برجسته می‌شود.

## روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر با هدف طراحی مدل عملیاتی تاب‌آوری انتظامی با تأکید بر نقش کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها در مدیریت امنیت روانی جامعه در شرایط بحران و جنگ انجام شده است. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی است و با توجه به ماهیت موضوع و نیاز به تحلیل روابط میان متغیرها، در زمره پژوهش‌های توصیفی-تحلیلی قرار می‌گیرد. همچنین از لحاظ شیوه گردآوری داده‌ها، از روش پیمایشی استفاده شده است. در این پژوهش، داده‌ها به‌صورت میدانی و از طریق ابزار پرسشنامه گردآوری و سپس با رویکرد آماری تحلیل شد. جامعه آماری پژوهش شامل دو گروه اصلی بود: ۱- پرسنل شاغل در کلانتری‌ها ۲- شهروندان ساکن در مناطق تحت پوشش همان کلانتری‌ها. این دو جامعه در حوزه استحفاظی سرکلانتری هفتم استان تهران قرار داشتند. انتخاب این حوزه به دلیل تمرکز مناسب واحدهای انتظامی، تنوع جمعیتی و امکان بررسی هم‌زمان نقش پلیس و ادراک امنیت روانی شهروندان و واقع شدن در حوزه خدمتی تهیه‌کننده گان این پژوهش صورت گرفت.



حجم نمونه نیز برای هر یک از دو گروه، ۳۰۰ نفر در نظر گرفته شد؛ بنابراین، در مجموع ۶۰۰ پرسشنامه در پژوهش مورد استفاده قرار گرفت.

جهت نمونه‌گیری پرسنل، از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب استفاده شد. در این شیوه، کلانتری‌ها بر اساس ویژگی‌های سازمانی، جغرافیایی و مأموریتی به طبقات مختلف تقسیم شدند و سپس از هر طبقه به نسبت حجم آن، نمونه‌گیری تصادفی انجام شد و برای انتخاب شهروندان، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد. به طوریکه در مرحله نخست، واحدهای مسکونی و تجاری (بازار بزرگ تهران) به‌صورت تصادفی انتخاب شدند. در مرحله دوم، ساکنین و متصرفین واقع در محدوده انتخابی شناسایی گردیدند و در مرحله سوم، افراد واجد شرایط از میان آنها به‌طور تصادفی انتخاب شدند.

ابزار اصلی گردآوری داده‌ها، دو پرسشنامه استاندارد خودگزارش‌دهی بود:

#### ۱. پرسشنامه تاب‌آوری انتظامی

این پرسشنامه شامل ۲۵ گویه بود که برای سنجش ابعاد مختلف تاب‌آوری انتظامی کارکنان طراحی شد. گویه‌ها در قالب طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای از «کاملاً مخالفم = ۱» تا «کاملاً موافقم = ۵» تنظیم شدند.

#### ۲. پرسشنامه امنیت روانی جامعه

پرسشنامه دوم شامل ۲۰ گویه بود و برای سنجش امنیت روانی شهروندان در دو وضعیت عادی و بحران/جنگ به کار رفت. این ابزار نیز بر مبنای طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای تدوین شد. روایی محتوایی پرسشنامه‌ها از طریق نظرخواهی از متخصصان و صاحب‌نظران حوزه علوم انتظامی، مدیریت بحران و روان‌شناسی اجتماعی بررسی و تأیید شد. برای سنجش روایی سازه پرسشنامه تاب‌آوری انتظامی، از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. نتایج نشان داد که داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب‌اند؛ به گونه‌ای که:

$$KMO = 0.85$$

$$\bullet \text{ آزمون کرویت بارتلت معنادار بود } (p > 0.001)$$

این نتایج نشان می‌دهد که همبستگی‌های درونی میان گویه‌ها برای استخراج عامل‌ها کفایت دارد. تحلیل عاملی، ساختاری چهارعاملی را آشکار ساخت که شامل: ۱- تاب‌آوری فردی ۲- تاب‌آوری



سازمانی ۳- تاب‌آوری عملیاتی ۴- تاب‌آوری ارتباطی/اعتمادی بود. بارهای عاملی گویه‌ها در دامنه‌ای قابل قبول قرار داشتند و اشتراکات اغلب گویه‌ها نیز در سطح مناسبی گزارش شد. پایایی ابزارها نیز از طریق ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد. نتایج نشان داد که پایایی کل پرسشنامه تاب‌آوری انتظامی ۰,۸۸، پایایی پرسشنامه امنیت روانی در وضعیت عادی ۰,۹۱، پایایی پرسشنامه امنیت روانی در وضعیت بحران ۰,۹۳ است که نشان‌دهنده ثبات درونی مطلوب و قابل قبول ابزارها است. در پایان داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ تحلیل شدند. در بخش آمار توصیفی، از شاخص‌هایی مانند میانگین، انحراف معیار، فراوانی و درصد استفاده شد.

## یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل داده‌ها

### الف) یافته‌های توصیفی

در جدول (۱) آمار توصیفی متغیر امنیت روانی در دو وضعیت عادی و بحران ارائه شده است تا تصویری اولیه از وضعیت این متغیر در میان پاسخگویان فراهم شود. با توجه به اینکه متغیر اصلی و محور اساسی پژوهش حاضر «امنیت روانی شهروندان» بوده و هدف پژوهش بررسی وضعیت و تغییرات این متغیر در شرایط عادی و بحران است، تمرکز این بخش بیشتر بر توصیف آماری امنیت روانی قرار گرفته است.

یافته‌های توصیفی نشان داد که میانگین امنیت روانی شهروندان در وضعیت عادی برابر با ۴,۲۰ و در وضعیت بحران/جنگ برابر با ۳,۱۵ است. این الگو حاکی از آن است که وقوع بحران، سطح امنیت روانی ادراک‌شده را به‌طور محسوس کاهش می‌دهد. همچنین بر اساس جدول توصیفی، میانگین راهبردهای حفاظتی و اطلاع‌رسانی بالاتر از راهبرد حمایتی گزارش شده است؛ به این معنا که از دید پاسخ‌دهندگان، بعد حفاظتی و اطلاع‌رسانی در عملکرد انتظامی بر جسته‌تر و مؤثرتر ارزیابی شده است.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش

| تفسیر             | انحراف معیار | میانگین | متغیر                          |
|-------------------|--------------|---------|--------------------------------|
| بالا              | ۰/۷۰         | ۴/۲۰    | امنیت روانی در وضعیت عادی      |
| متوسط رو به پایین | ۱/۱۰         | ۳/۱۵    | امنیت روانی در وضعیت بحران/جنگ |



## ب) بررسی نرمال بودن داده‌ها

بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف و نیز شاخص‌های چولگی و کشیدگی نشان داد که اکثر متغیرها در دامنه قابل قبول نرمال قرار دارند. مقادیر معناداری آزمون‌ها بزرگ‌تر از  $0.05$  بوده و مقادیر چولگی و کشیدگی نیز در بازه تقریبی  $1 \pm$  قرار داشت. از این رو، استفاده از آزمون‌های پارامتریک در ادامه تحلیل‌ها مناسب تشخیص داده شد.

جدول ۲. نتایج بررسی نرمال بودن متغیرها

| نتیجه           | کشیدگی          | چولگی           | کولموگروف-اسمیرنوف (p) | متغیر               |
|-----------------|-----------------|-----------------|------------------------|---------------------|
| نرمال قابل قبول | بین $-1$ و $+1$ | بین $-1$ و $+1$ | $0.05$                 | متغیرهای اصلی پژوهش |

## پ) تحلیل عاملی اکتشافی

برای سنجش روایی سازه پرسشنامه تاب‌آوری انتظامی، تحلیل عاملی اکتشافی اجرا شد. بر اساس نتایج، شاخص KMO برابر با  $0.85$  و آزمون بارتلت معنادار ( $p > 0.001$ ) بود؛ بنابراین، داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب بودند. همچنین تحلیل عاملی اکتشافی منجر به استخراج چهار عامل اصلی شد که عبارت‌اند از: تاب‌آوری فردی، تاب‌آوری سازمانی، تاب‌آوری عملیاتی، تاب‌آوری ارتباطی/اعتمادی. بارهای عاملی گویه‌ها در محدوده  $0.55$  تا  $0.89$  قرار داشت و اشتراکات نیز در سطح مطلوب گزارش شد؛ بنابراین، پرسشنامه از روایی سازه مناسب برخوردار است.

جدول ۳. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی پرسشنامه تاب‌آوری انتظامی

| مقدار                   | شاخص                       |
|-------------------------|----------------------------|
| $0.85$                  | KMO                        |
| معنادار ( $p > 0.001$ ) | آزمون بارتلت               |
| ۴                       | تعداد عامل‌های استخراج شده |
| $0.55$ تا $0.89$        | دامنه بارهای عاملی         |
| مناسب                   | وضعیت اشتراکات             |

**ت) آزمون t زوجی**

به‌منظور مقایسه میانگین امنیت روانی شهروندان در دو وضعیت عادی و بحران/جنگ، از آزمون t زوجی استفاده شد. نتایج نشان داد که تفاوت میانگین‌ها از نظر آماری معنادار است.

• امنیت روانی در وضعیت عادی:  $M = 4.20$ ,  $SD = 0.70$

• امنیت روانی در وضعیت بحران:  $M = 3.15$ ,  $SD = 1.10$

•  $t(299) = 10.55$

•  $p > 0.001$

این یافته نشان می‌دهد که شرایط بحران موجب کاهش معنادار امنیت روانی در جامعه می‌شود.

**جدول ۴. نتایج آزمون t زوجی برای مقایسه امنیت روانی در دو وضعیت**

| وضعیت     | میانگین | انحراف معیار | t     | Df  | p      |
|-----------|---------|--------------|-------|-----|--------|
| عادی      | ۴/۲۰    | ۰/۷۰         | ۱۰/۵۵ | ۲۹۹ | <۰/۰۰۱ |
| بحران/جنگ | ۳/۱۵    | ۱/۱۰         | ۱۰/۵۵ | ۲۹۹ | <۰/۰۰۱ |

**ث) تحلیل همبستگی پیرسون**

نتایج تحلیل همبستگی پیرسون نشان داد که میان راهبردهای انتظامی، ابعاد تاب‌آوری انتظامی و امنیت روانی جامعه، رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

یافته‌های کلیدی نشان می‌دهد:

• راهبردهای انتظامی با تاب‌آوری انتظامی رابطه مثبت دارند.

• تاب‌آوری سازمانی با امنیت روانی در شرایط بحران بیشترین همبستگی را نشان داده است

( $r = 0.75$ ).

• تاب‌آوری ارتباطی/اعتمادی نیز همبستگی بالایی با امنیت روانی دارد ( $r = 0.68$ ).

• همبستگی راهبردهای انتظامی با امنیت روانی بحران در دامنه ۰.۳۵ تا ۰.۵۲ قرار دارد.

این یافته‌ها نشان می‌دهد که هرچه کیفیت راهبردهای انتظامی و سطح تاب‌آوری سازمانی بیشتر باشد، امنیت روانی شهروندان نیز در شرایط بحران مطلوب‌تر خواهد بود.



جدول ۵. ماتریس همبستگی پیرسون میان متغیرهای اصلی

| سطح معناداری | ضریب همبستگی <sup>®</sup> | متغیرها                                       |
|--------------|---------------------------|-----------------------------------------------|
| معنادار      | ۰/۴۰ تا ۰/۷۰              | راهبردهای انتظامی با تاب‌آوری انتظامی         |
| معنادار      | ۰/۷۵                      | تاب‌آوری سازمانی با امنیت روانی بحران         |
| معنادار      | ۰/۶۸                      | تاب‌آوری ارتباطی/اعتمادی با امنیت روانی بحران |
| معنادار      | ۰/۳۵ تا ۰/۵۲              | راهبردهای انتظامی با امنیت روانی بحران        |

### ج) تحلیل رگرسیون چندگانه

به‌منظور بررسی میزان تأثیر راهبردهای انتظامی و تاب‌آوری سازمانی بر امنیت روانی شهروندان در شرایط بحران، از تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. در این تحلیل، امنیت روانی به‌عنوان متغیر وابسته و راهبردهای حفاظتی، حمایتی، اطلاع‌رسانی و تاب‌آوری سازمانی به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین وارد مدل شدند. نتایج تحلیل نشان داد که مدل رگرسیونی از قدرت تبیین مناسبی برخوردار است و متغیرهای مورد بررسی توانسته‌اند بخش قابل توجهی از تغییرات امنیت روانی را تبیین کنند. بر اساس نتایج، تاب‌آوری سازمانی با بالاترین ضریب بتا قوی‌ترین پیش‌بین امنیت روانی در شرایط بحران محسوب می‌شود. همچنین راهبردهای حفاظتی و اطلاع‌رسانی تأثیر مثبت و معناداری بر امنیت روانی دارند، در حالی که تأثیر راهبرد حمایتی از نظر آماری معنادار مشاهده نشد.

جدول ۶. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه پیش‌بینی امنیت روانی در شرایط بحران

| سطح معناداری (p) | ضریب بتا ( $\beta$ ) | متغیر پیش‌بین      |
|------------------|----------------------|--------------------|
| $< ۰/۰۰۱$        | ۰/۵۰                 | تاب‌آوری سازمانی   |
| ۰/۰۴۶            | ۰/۱۱                 | راهبرد حفاظتی      |
| ۰/۰۴۶            | ۰/۱۰                 | راهبرد اطلاع‌رسانی |
| ۰/۲۴۳            | ۰/۰۸                 | راهبرد حمایتی      |

$$R^2 = ۰,۵۸$$



در این پژوهش برای بررسی میزان تأثیر متغیرهای پیش‌بین بر امنیت روانی شهروندان از رگرسیون چندگانه استفاده شد. همان‌طور که در جدول (۶) مشاهده می‌شود، تاب‌آوری سازمانی بیشترین قدرت پیش‌بینی را در تبیین تغییرات امنیت روانی دارد. همچنین راهبردهای حفاظتی و اطلاع‌رسانی اثر مثبت و معناداری بر امنیت روانی نشان داده‌اند، اما تأثیر راهبرد حمایتی در مدل نهایی از نظر آماری معنادار نبوده است. این یافته نشان می‌دهد که تقویت ظرفیت‌های سازمانی و اقدامات حفاظتی و اطلاع‌رسانی می‌تواند نقش مؤثری در ارتقای امنیت روانی شهروندان در شرایط بحران داشته باشد.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

امنیت روانی جامعه یکی از ارکان اساسی ثبات اجتماعی و پایداری نظم عمومی به شمار می‌رود و در شرایط بحران و جنگ اهمیت آن دوچندان می‌شود. در چنین شرایطی، نقش نهادهای انتظامی به‌ویژه کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها به‌عنوان نزدیک‌ترین واحدهای پلیس به جامعه، در حفظ آرامش روانی شهروندان و مدیریت ادراک امنیت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پژوهش حاضر با هدف طراحی مدل عملیاتی تاب‌آوری انتظامی با تأکید بر نقش کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها در مدیریت امنیت روانی جامعه در شرایط بحران و جنگ انجام شد.

یافته‌های توصیفی نشان داد که میانگین امنیت روانی شهروندان در وضعیت عادی برابر با  $4/20$  با انحراف معیار  $0/70$  بوده است. این مقدار در وضعیت بحران یا جنگ به  $3/15$  با انحراف معیار  $1/10$  کاهش یافته است. مقایسه این دو میانگین بیانگر آن است که شرایط بحرانی با افت محسوس در سطح امنیت روانی ادراک شده همراه بوده است. همچنین بررسی نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف و شاخص‌های چولگی و کشیدگی انجام شد. با توجه به اینکه مقادیر چولگی و کشیدگی در محدوده قابل قبول  $1 \pm$  قرار داشتند و سطح معناداری آزمون نیز بیشتر از  $0/05$  بدست آمد، می‌توان نتیجه گرفت که توزیع داده‌ها از الگوی نرمال تبعیت می‌کند. عین حال نتایج تحلیل همبستگی و رگرسیون نشان داد که راهبردهای انتظامی و به‌ویژه تاب‌آوری سازمانی نقش تعیین‌کننده‌ای در ارتقای امنیت روانی جامعه در شرایط بحرانی دارند. به بیان دیگر، هرچه سازمان پلیس از نظر ساختاری، مدیریتی، ارتباطی و عملیاتی از تاب‌آوری بالاتری برخوردار باشد، توانایی آن در مدیریت شرایط بحران و حفظ آرامش روانی جامعه نیز افزایش می‌یابد.

از میان متغیرهای بررسی‌شده، تاب‌آوری سازمانی بیشترین قدرت پیش‌بینی امنیت روانی



جامعه در شرایط بحران را داشت. این یافته نشان می‌دهد که انسجام سازمانی، آمادگی عملیاتی، هماهنگی بین واحدها، کارآمدی فرماندهی و اعتماد عمومی به پلیس می‌تواند نقش مهمی در کاهش اضطراب اجتماعی و تقویت احساس امنیت ایفا کند. همچنین راهبردهای حفاظتی و اطلاع‌رسانی نیز به عنوان عوامل مؤثر در مدیریت ادراک امنیت در جامعه شناخته شدند.

تحلیل‌ها بیانگر آن است که اعتماد عمومی به پلیس و درک از کارآمدی سازمانی، بیش از هر عامل دیگری بر احساس امنیت روانی شهروندان تأثیر دارد. بنابراین، تقویت تاب‌آوری انتظامی نه تنها ظرفیت واکنش‌پذیری سازمانی را بالا می‌برد، بلکه سبب بازسازی پیوند اعتماد بین مردم و نیروهای نظم و امنیت می‌شود.

از دیدگاه نظری، این مطالعه به توسعه مدل‌های تاب‌آوری سازمانی در حوزه امنیت عمومی کمک می‌کند و پیوندی میان الگوی روان‌شناختی و مدیریتی برقرار می‌سازد.

از دیدگاه عملی، نتایج می‌تواند مبنای طراحی آموزش‌های روانی و مدیریتی برای کارکنان انتظامی، تشکیل واحدهای چابک در کلانتری‌ها، و تدوین دستورالعمل‌های واکنش در بحران‌های اجتماعی باشد.

در نهایت، این مدل عملیاتی می‌تواند به عنوان الگوی بومی تاب‌آوری انتظامی مورد استفاده پژوهشگران و تصمیم‌گیران حوزه امنیت عمومی قرار گیرد و زمینه‌ساز ارتقای آرامش ذهنی و روانی در جامعه ایرانی شود.

### پیشنهادهای

بر پایه یافته‌های پژوهش، چند نتیجه کاربردی قابل پیشنهاد است:

۱. تقویت تاب‌آوری سازمانی در کلانتری‌ها از طریق آموزش‌های تخصصی، افزایش انسجام واحدی و بهبود آمادگی عملیاتی
۲. ارتقای راهبردهای اطلاع‌رسانی و ارتباطی برای کاهش شایعات و افزایش اعتماد عمومی
۳. توسعه راهبردهای حفاظتی و حمایتی متناسب با سطح تهدید و نیاز جامعه
۴. طراحی پروتکل‌های مدیریت امنیت روانی در شرایط بحران و جنگ
۵. افزایش هماهنگی میان پلیس، نهادهای محلی و رسانه‌ها برای تقویت ادراک امنیت در جامعه



## فهرست منابع

۱. احمدی، ا.، حسینی، س.، و پورحسینی، م. (۱۳۹۸). بررسی عوامل مؤثر بر امنیت روانی اجتماعی در مناطق شهری. *فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۰(۳)، ۱۱۵-۱۳۰.
۲. جلالی، ن.، و محمدی، ر. (۱۳۹۹). نقش اطلاع‌رسانی پلیس در کاهش اضطراب عمومی در بحران‌های اجتماعی. *فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی*، ۱۶(۴)، ۸۹-۱۰۵.
۳. رضایی، م.، و اکبری، س. (۱۴۰۰). تأثیر رویدادهای بحرانی بر سلامت روان جامعه: مطالعه‌ای در مناطق زلزله‌زده. *فصلنامه روان‌شناسی سلامت*، ۱۰(۲)، ۴۵-۶۰.
۴. زارعی، ح. (۱۳۹۹). امنیت روانی و عوامل مؤثر بر آن در جامعه شهری. *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، ۱۲(۳)، ۷۷-۹۶.
۵. سعیدی، ا.، و نظری، ک. (۱۳۹۹). رابطه امنیت اجتماعی و احساس امنیت روانی در میان ساکنان شهرهای مرزی. *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۲۳(۱)، ۷۷-۹۵.
۶. سلیمانی، م. (۱۴۰۰). راهبردهای انتظامی در مدیریت بحران‌های اجتماعی. تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی امین.
۷. صادقی، ب.، و احمدپور، ع. (۱۳۹۸). ارزیابی اثربخشی راهبردهای حمایتی در کاهش استرس پس از سانحه. *فصلنامه روان‌شناسی بالینی*، ۱۱(۳)، ۱۲۳-۱۴۰.
۸. فتحی، ر.، و پورمند، ا. (۱۳۹۸). پیش‌بینی تاب‌آوری سازمانی کارکنان نیروی انتظامی بر اساس حمایت سازمانی و خودکارآمدی. *فصلنامه مدیریت انتظامی*، ۱۰(۱)، ۴۵-۶۲.
۹. قاسمی، ع. (۱۳۹۶). تحلیل ابعاد امنیت روانی در جامعه و نقش نهادهای حاکمیتی. *مجله علوم اجتماعی*، ۱۴(۱)، ۵۵-۷۳.
۱۰. کاظمی، ر.، و فخاریان، ح. (۱۳۹۷). تاب‌آوری سازمانی در نهادهای امنیتی و انتظامی. *فصلنامه پژوهش‌های انتظامی*، ۹(۱)، ۲۳-۴۱.
۱۱. کریمی، ن.، رضایی، ز.، و محمدی، ق. (۱۴۰۰). نقش کلانتری‌ها در ارتقاء احساس امنیت شهروندان: مطالعه موردی شهر تهران. *فصلنامه پژوهش‌های نظم و امنیت انتظامی*، ۱۲(۳)، ۶۷-۸۵.
۱۲. کریمی، ح.، و پورحسینی، م. (۱۴۰۱). طراحی مدل تاب‌آوری در سازمان‌های خدمات عمومی: رویکردی مبتنی بر منابع داخلی. *فصلنامه مدیریت دولتی*، ۱۴(۴)، ۵۵۰-۵۷۰.
۱۳. محمدی، ر.، و حسینی، س. (۱۳۹۹). نقش پلیس در مدیریت بحران و حفظ نظم عمومی.



فصلنامه علوم انتظامی، ۲۲(۱)، ۳۳-۵۰.

۱۴. محمدی‌قدم، س. (۱۳۹۸). بررسی عوامل مؤثر بر تاب‌آوری سازمانی در سازمان‌های دولتی. فصلنامه مدیریت راهبردی، ۱۰(۴)، ۱۱۸-۱۰۱.

۱۵. نامی، ا.، احمدی، م.، و یوسفی، ف. (۱۳۹۷). تبیین عوامل مؤثر بر تاب‌آوری شغلی کارکنان نیروی انتظامی. فصلنامه روان‌شناسی نظامی، ۲۰(۴)، ۱۸-۱.

16. Hudson, P. (2015). Resilience and safety culture in high-risk organizations. *Journal of Safety Science*, 75, 123-130.

17. Keller, A. (2018). Organizational resilience and crisis management in public institutions. *International Journal of Public Administration*, 41(9), 742-751.

18. Paton, D., & Johnston, D. (2017). *Disaster resilience: An integrated approach* (2nd ed.). Charles C Thomas Publisher.

19. Suleimani, M. (2019). Policing strategies in crisis and emergency situations. *Security Studies Review*, 11(2), 55-70.

20. Weick, K. E., & Sutcliffe, K. M. (2015). *Managing the unexpected: Sustained performance in a complex world* (3rd ed.).

21. Williams, T. A., Gruber, D. A., Sutcliffe, K. M., Shepherd, D. A., & Zhao, E. Y. (2017). Organizational response to adversity: Fusing crisis management and resilience research streams. *Academy of Management Annals*, 11(2), 733-769.